

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

شمسی صلواتی

۱۰ سپتمبر ۲۰۱۳

شعر یعنی:

طغیان دل عاشق،
شعر یعنی گریه دل تنها،
..... در لحظه های گریز از زندگی
..... گریز از نامهربانی ها و
..... تن دادن به تنهایی

شعر یعنی:

رنج و درد تنیده در جسم و روح آدمی
شعر، منم! آهنگ یک فریاد
باران عاطفه ها به سرعت نور
گم شدن در میان دردهای پنهان
شعر یعنی:

روح عاصی و عصیان
اسب وحشی گریزان از اهلی شدن
و با جنگی تازه،
در نبرد نهائی برای رهائی
شعر، منم! آهنگ یک فریاد
آخرین شعله آتش در جان ستمگر
آخرین خنجر در دل مرتجعین
و آخرین آتشفشان برای رهائی
روح رها شده و آزاد
عشق گم شده و درد

در گذر از دشتهای وسیع
برای رسیدن به باغهای رؤیائی

**** *

شعر همچو رودخانه از زبان من و تو جاریست،
شاید از زبان دخترکی دل سوخته و بیمار در شبهای تنهائی،
چرا که شعر زندگی است.

قصه تلخ تنهائی ست

رؤیاهای زیبای توست و

شکستهای پی در پی من،

در زندگیست!

شعر، اشک های زن همسایه و،

یا جوانی معترض بر چوبه دار

شعر، سرود رهائی ست

و آهنگ زیبایی برای تسکین درد

برای فرار از درد،

شعر منم، شاعر توئی

یا شاید زن همسایه!

برای بیان نابرابری ها.!!!!!!!!!!!!!!

.....شمی صلواتی.